

# تعلیم و تربیت خانوادگی

از دکتر آنده برژ استاد کرسی روانشناسی  
و روان پزشکی دانشگاه پاریس و رئیس  
فنداسیون بین المللی مدارس اولیاء و مربیان

ترجمه : دکتر آصفه آصفی

دانشیار دانشسرای عالی

معدالک اگر این دوستی و  
بکرنگی و تأثیر و نفوذ آن که  
قبلاً ذکر کردیم فقط حمایت  
شود، آن را از صورت و معنی  
اصلی خود خارج ساخته و به  
صورت نفوذی غیر جويا و غیر  
کاووشگر درخواهد آورد که  
تنها بصورت اقدام یا رفتاری  
عادی درآمده و استفاده از آن  
بصورت اصلی مسلم و غیرقابل  
انکار میسر نخواهد گردید ، در  
حالیکه این شیوه بمنزله گنجی  
است که برای همه کس بطور  
یکسان میتواند مورد استفاده  
قرار گرفته و در دسترس همگان  
باشد و قرار داد واحدی برای  
طبقه مشخصی نیست، کسیکه

سعی می کند خود را بفهماند  
و توجیه کند باید کوشش کند  
تا مطالب و مسائل را، خودنیز  
درک کرده و بخوبی آگاه شود .  
کسیکه جويای اعتماد است  
باید اعتماد متقابل را قبول داشته  
باشد . اگر دلائل مخصوصی  
ایجاب می کند که در بعضی  
موارد سکوت اختیار کند ، در  
مقابل، مسائل بسیار زیادی هم  
چه از نقطه نظر گروهی ، اجتماعی،  
اقتصادی و یا عاطفی و احساسی  
برای تمام اعضاء خانواده وجود  
دارد که مورد توجه می باشند  
و هر یک از اعضاء گروه بمحض  
رسیدن بدرجه بلوغ کافی ، حق  
دارد که این مسائل را بشناسد

و عقایدش را لازم تشخیص دهد، و بدون ترس از اینکه مورد رد یا قبول سایرین باشد (بموقع) بگوش سایرین برساند. عزت نفس و جانب‌گری درست به همان نسبت خوش‌خدمتی و ابراز محبت، در این مورد، نبایستی مورد توجه قرار گرفته و باصطلاح جائی برای خود باز کند تنها چیزیکه بحساب می‌آید و نهایت درجه اهمیت را دارا می‌باشد همانا موقعیت و نوع راه‌حلی است که ابراز می‌شود و نه اصل موضوع تحقیق و تجسس عمومی که بطور عاقلانه‌ای رهبری شود، همیشه برای تشکیل و تشکل امتیازات و تقویت بیان صادقانه افکار و عقاید بکار می‌آید. بطور تحقیق بایستی پدر و مادرها از استدلال و ابراز عقیده دربارهٔ پسر و دخترشان (پدر به دختر و مادر به پسر) که کارآئی چندانی ندارند دوری‌گزینند «وقتی که تو به سن من میرسی مثل من فکر خواهی کرد.» «یا بهتر» چگونه می‌خواهی طرف صحبت و مشاور باشی؟ تو که تجربه من را نداری.» اقتدار والدین در طول سالها می‌تواند همیشه غلبه داشته باشد. ولی بعضی از این مسائل تحریک‌کننده و حمله‌انگیز برای



جوانان و آنهائیکه بالفطره و بالبداهه مستعدتراند میتوانند سبب مسدود کردن راهشان گردد چه آنان قبول ندارند که به تجربه دیگری اعتماد و اطمینان کنند مگر اینک تجربه‌ای مشخص و محرز به ایشان عرضه گردد و گرنه تجربه‌ای که از کلمات مبهم و بسیار صدادر تشکیل شده باشد آنان را به لجاجت واداشته و عدم تفاهم بین نسلها را بیشتر و مشکل را بزرگتر خواهد ساخت .

هر قدر برتریها و ارجحیه‌های حقیقی و واقعی دوستی‌ها و همدلی‌ها را غنی‌تر و عمیق‌تر میسازد بهمان اندازه برتریهای سطحی، زیان‌آورتر می‌باشد ، آنهائیکه تصور می‌کنند تصویر آنان در رفتار فرزندان‌شان بدلیل لجاج و ستیزه‌ایکه برای پنهان داشتن واقعیت ضعف‌هایشان ، بی‌اطلاعی‌شان و محدودیت - هایشان ، تصویری از مزایای تقریباً غیر انسانی تولید کرده است خود را بخطر می‌اندازند ، چه آنچه که اهمیت دارد این است که باید سعی کنند قدرت دانش و برتری و فزونی واقعی بدست آورند . موفقیت و پیشرفت ، بالقوه ارزش و اهمیت روانی ندارد . پس به همین دلیل و

بنابراین نمیتواند مورد تقدیر و تمجید قرار گیرد . برای اینک پدران و مادران میتوانند بعنوان دوستان فرزندان‌شان انتخاب شوند ، بایستی رفتار و برخورد - هایشان عیناً مانند رفتار دوستانی همراه و همفکر در نظر فرزندان جلوه‌گر شود . و هیچ‌گونه تفاوت و فاصله عمیقی بین آنها وجود نداشته باشد که باعث جدائی و تفرقه گردد . و برعکس پدران و مادران بتوانند امیدوار باشند که مورد اعتماد جوانان قرار گرفته‌اند بدون آنکه این مطلب را بزبان آورند به پدر و مادر اعتماد کنند و درک نمایند که آنان از خودشان محکم‌تر با اطلاع‌تر و مجهزتر می‌باشند . جائی را که محبت و دوستی خانوادگی می‌تواند در زندگی پر کند بسیار چشمگیر و قابل - ملاحظه است و مشاهده می‌گردد که احساس و عواطفی که با تیزهوشی و صبر و حوصله بوجود می‌آورد میتواند چه شاهکارهائی بشود . تصور نمیرود برای پدر و مادر هیچ نوع رضایت شخصی و فردی بالاتر و مهمتر از این وجود داشته باشد . دوستی و محبت فیما بین (بین آنها و فرزندان) میتواند نه تنها در مواقع مشکل و مواجهه با

ناملازمات روزانه بلکه در هر قدم و هر سه راهی و چهار راهی زندگی و لحظات پر شور آن بعنوان پشتیبان و راهنما تلقی گردیده و مؤثر و نافذ باشد . با محبت و دوستی می‌توان این برنامه‌ای را که ذکر شد بدون هیچ‌گونه اعتراض و مشکل عملی کرد . آنجا که فرزندان برای خودشان ، برای اجتماعشان و برای پدران و مادران ، تربیت شوند جز یک موضوع و یک ایده‌آل واحد ، چیز دیگری وجود پیدا نخواهد کرد و آن بدست آوردن نتیجه مشترک و تفاهم فیما بین میباشد . این تمایل و توجه به نتیجه مشترک در موقعیت‌های باریکتر هم خودنمایی می‌کند و میتوانیم آنرا در جزئیات مطلبی که عادتاً آنرا «تعلیم و تربیت خوب» مینامیم و «حقیقتاً» هم چیزی جز تشکل عناصر خوب و مناسب نمی‌باشد . «کشف و جستجو نمائیم ، فردیکه از تربیت خوبی برخوردار نیست با خطراتی مواجه میشود که نه تنها برای دیگران ناراحت کننده و مضر است بلکه برای خودش هم زیان‌آور است و مجبور است که این ضررها را بپردازد و گاهی هم عدم توجه و ممارستش برابر با قراردادهای اجتماعی

برایش بسیار گران تمام خواهد شد. او قادر نخواهد بود اعتبار و اهمیت این «آداب ابتدائی و شرافتمندانه» را که طبق رسوم کشورها و برابر بازمانها تغییر پذیرند نفی و بی ارزش قلمداد نماید. هرچند که ظاهراً رفتارش را رسمی و قابل تطبیق نموده و سعی کند که خود را قابل هضم و در صورت اسکان مورد پذیرش و توجیه نزدیکانش جلوه‌گر سازد. بدون شک بنظر میرسد هر چیزی که اتوماتیک و خودکار باشد مقداری از مفهومی اصلی خود را میتواند نگهدارد اما روابط روزانه و معمولی

انسانها در میان یکدیگر احتیاج دارد که مطالب آنطور تنظیم شود که در باله‌های اپرا، و توفیق پیدا نخواهد شد مگر اینکه هم‌آهنگی محض بین رقاصه‌ها بوجود آید و این آن لحظه‌ای خواهد بود که هر کدام بدون آنکه بحركات خود و عملی که بایستی این حرکات انجام شود فکر کنند. بطور یکنواخت روش و نرمشهای لازم را دنبال نموده و باصطلاح در متن قرار گیرند. بهترین رقاصان آنهاست هستند که بتوانند حرکات بی‌زبان را احساس کنند،

خواسته‌ها و میل دیگران و تماشاچیان را مورد توجه قرار داده و بفرامین و قوانین نمایش احترام بگذارند. این مثل عیناً برابر میشود با زندگی روزمره، لازم است در کنار آن مسائلی که بعنوان احترامات عادی بکار میرود، مسائلی دیگر وجود داشته باشد که بعنوان مکمل مطالبی که کلمه به کلمه آسوخته‌سی شود قرار گیرد و آن حرمت و محبتی است که از دل برخیزد و برپایهٔ نزاکت و توجه وجدان قرار گیرد و نمایشگر انسان دوستی و نوع پرستی باشد.

